

جایگاه و اهمیت ارزشیابی مبتنی بر شایستگی در تولید و اشتغال

پای صحبت دکتر محمدیان، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی



است. ایشان در این گفت و گو، ضمن تأکید بر اهمیت ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و جایگاه آن در شکوفایی اقتصادی، تولید و اشتغال و اینکه تربیت منابع انسانی ماهر باید بر اساس شناسایی نیازهای مشاغل و هرم شغلی کشور باشد، بر نحوه ارزشیابی در رشته‌های فنی و مهارتی و تأثیر ارزشیابی مبتنی بر شایستگی در تولید و اشتغال اشاره کرده‌اند.

○ رشد: جایگاه و اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سال اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال چیست؟

• محمدیان: به اعتقاد ما پایه اقتصاد و تولید ثروت و دستیابی به منابع کمیاب، تولید و اشتغال است. یعنی آنچه که از نگاه اسلامی موجب مالکیت و درآمد مشروع می‌شود کسب و کار حلال است. این کار شقوق متفاوتی دارد. بخشی از کارها، تولیدی و بخشی خدماتی هستند. بخشی از کارهای تولیدی در حوزه صنعت و بخشی در حوزه کشاورزی است. با توجه به اینکه فضای مجازی فراهم شده است، بخشی از مشاغل خدماتی در حوزه کسب و کار و تجارت الکترونیکی اتفاق می‌افتند. اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه ما بتوانیم برای استحصال منابع کمیاب و استفاده بهینه از آنها سیاست‌گذاری کنیم. در استفاده بهینه، مصرف بهینه نیز مهم است و هم ارزش افزوده.

اشاره

آن چه در پی می‌آید حاصل گفت و گویی است که با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره جایگاه و اهمیت ارزشیابی مبتنی بر شایستگی در تولید و اشتغال انجام شده

در اقتصاد مقاومتی توجه به مزیت‌های نسبی داخل کشور یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. باید ببینیم در چه زمینه‌هایی مزیت نسبی داریم: تا در تولید یا، در ارائه خدمات، به آن توجه و بر آن تأکید کنیم. نکته دیگر در اقتصاد مقاومتی، مدیریت به منظور کاهش هزینه تمام شده تولید است تا بتواند با اتکا به آن مزیت نسبی، در بازار، قدرت رقابت با کالاها و تولیدات مشابه وارداتی را داشته باشد. البته، کاهش هزینه‌های تولید تحت تأثیر آموزش است. یعنی کسانی که تولیدکنندگان آموزش دیده و حرفه‌ای هستند، هزینه‌های تولیدشان کمتر است.

همچنین اگر بتوانند از منابع داخلی استحصال کنند و آن را به ثروت و ارزش افزوده تبدیل کنند و منابع را خام عرضه نکنند، یک مزیت برتر است. برای مثال، اگر در استخراج از معدن یا تولید نفت، صنایع بالا دستی و پایین دستی را خودمان ایجاد کنیم و نیروهای کار تولیدی آموزش لازم را ببیند تا بتوانیم ماده خام را به فرآورده تبدیل کنیم، در این صورت خام فروشی نخواهیم کرد و از سرمایه خودمان استفاده بهینه به عمل می‌آوریم و تولید می‌کنیم. بنابراین نیروهای کار مولدی نیازمند آموزش هستند. آموزش‌ها باید ناظر بر نیازهای بازار کار باشند و بتوانند نیازهای بنگاه‌هایی را که ایجاد اشتغال می‌کنند، تولید خدمات دارند، یا تولید جدیدی را ارائه می‌دهند، برآورده کنند. مثلاً اگر ما در حوزه تولیدات کشاورزی یا تولیدات صنعتی نیاز داریم داخل کشور با اتکا به مزیت‌های خودمان چیز جدیدی را ایجاد و تولید کنیم، باید آموزش‌های لازم را به نیروی کاری که در مدرسه تحصیل می‌کند، ارائه دهیم.

لذا باید ابتدا حرف تولیدی مورد نیاز برای آموزش را شناسایی، سپس ویژگی‌های شاغل هر حرفه را تجزیه و تحلیل و براساس آن‌ها برنامه‌های آموزشی مناسب را طراحی و تدوین کنیم.

ضرورت‌های تولید را در راستای توسعه اقتصادی شناسایی کنیم و ببینیم چه چیزهایی باید تولید کرد که تولید بهینه اتفاق بیفتد. اینجا علاوه بر استانداردهای شغل، استانداردهای دیگری نیز هستند و آن استاندارد آموزش است.

بعد از تعیین استانداردهای آموزش و استاندارد شغل، باید ملاحظه شود آیا کسانی که آموزش دیده‌اند، به مهارت‌های مورد نظر دست یافتند و در میدان عمل می‌توانند مهارت‌های خود را که ما به

آن‌ها شایستگی‌های پایه فنی و غیرفنی می‌گوییم، عملی کنند یا خیر. یعنی اگر این شایستگی‌ها به دست آمدند، در این صورت استانداردهای شغلی با آموزش ادغام شده‌اند و خروجی آن یک فعالیت صحیح و درست و یا یک تولید بهینه شد، فرد شاغل به شایستگی دست پیدا کرده و کالاهای تولید شده توسط او در بخش‌های متفاوت حتی از راه خدمات، استاندارد است. به عبارت دیگر ارزشیابی‌های شایسته محور، ما را به تولیدات استاندارد نزدیک می‌کند و یا تولیدات ما را با استاندارد منطبق می‌کند. البته در این بین ما تنها به «کار» توجه نداریم بلکه در کنار تولید باید به شایستگی‌های غیرفنی از جمله «اخلاق حرفه‌ای» و... نیز توجه شود. در اخلاق حرفه‌ای، علاوه بر رضایتمندی و احترام به شخصیت مشتری، باید به شخصیت و کرامت تولید کننده و مولد و نیز به کسانی که سرمایه‌گذار هستند، احترام گذاشت. اقتصاد مقاومتی با احترام به کار ایرانی و صاحبان سرمایه گره خورده است و باید در آموزش‌های فنی و مهارتی به این مجموعه به صورت یکجا و درهم تنیده توجه کنیم تا سرمایه، نیروی کار، استانداردها و رضایت مشتری با هم لحاظ شوند.

○ نقش برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای در تولید و اشتغال چیست؟

• ما باید نیازهای بازار کار را شناسایی کنیم و در آموزش به آن‌ها پاسخ بدهیم. در واقع، نیازها در حوزه فنی و حرفه‌ای به زبان آموزش تحقق می‌یابد یعنی برنامه‌های آموزشی و درسی ما باید این نیازها را به زبان آموزش ترجمه کنیم تا برنامه را تولید کنیم. در اینجا لازم است که نیازها را مشخصاً از صاحبان حرف، صنایع و بنگاه‌های اقتصادی تولیدی و تجاری بگیریم و از زبان آن‌ها بشنویم که چه آموزش‌هایی را احتیاج دارند. همچنین، برای طراحی برنامه درسی از کارشناسان و صاحب‌نظران و خبرگان اهل فن، صاحبان حرف و صنایع استفاده می‌کنیم. ایجاد انسجام بین نیازهای گروه‌های مختلف تبدیل به برنامه درسی شود.

در برنامه درسی، روش اشاعه برنامه و روش آموزش برنامه، ویژگی‌ها و مهارت‌های هنرآموزان (یاددهندگان)، و در عین حال نظام اجرای ارزشیابی شایسته‌محور را باید پیش‌بینی و طراحی کنیم. علاوه بر این‌ها تجهیزات لازم، امکانات کارگاهی، فضای مناسب و سازمان‌دهی انسانی مناسب نیز

در اجرای آموزش‌ها مطرح هستند که به اعتقاد من هشت سرفصل را شکل می‌دهند و در مجموع می‌شوند برنامه درسی.

از طرف دیگر، استانداردهایی که ما امروز در کشور تهیه و تدوین کرده‌ایم استانداردهای ملی ما هستند، به تعبیری توسط وزارت کار و رفاه امور تأمین امور اجتماعی و سایر دستگاه‌های دیگر اعلام شده‌اند. ما باید این استانداردها را به روزآوری و کارآمد و مؤثر کنیم. این مجموعه باید به لحاظ ملی مجدداً طراحی شود و برنامه درسی به این نیازها توجه کند.

اما نکته مهم‌تر این است که ما نباید نیروی انسانی جوانی را که در اختیار داریم، تنها برای اشتغال ملی آموزش بدهیم. البته احتمال اینکه در آینده سرریز منابع انسانی هم داشته باشیم، وجود دارد. یعنی آموزش دیدگانی خواهیم داشت که می‌توان به عنوان نیروی کار صادر کرد. با توجه به این موضوع باید استانداردهای بین‌المللی، ایسکو ۲۰۰۸ (ISCO۲۰۰۸) را هم در برنامه ببینیم.

○ نقش ارزشیابی مبتنی بر شایستگی در کیفیت بخشی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را چگونه می‌بینید؟

• ارزشیابی روش‌های گوناگونی دارد. مثلاً در دبستان و دبیرستان در رشته‌های نظری ارزشیابی‌ها عمدتاً، ارزشیابی‌های تکوینی هستند و گاهی نیز مبتنی بر حافظه هستند. در بعضی جاها هم کارهای آزمایشگاهی، کتابخانه‌ای یا کارگاهی اتفاق می‌افتند. اما در رشته‌های فنی و حرفه‌ای دانش این روش به تنهایی کافی نیست. این دانش باید با مهارت تلفیق شود و لذا ارزشیابی شایسته‌محور، یعنی به ظهور رسیدن دانش فنی که در ذهن و دست دانش‌آموز و هنرجو اتفاق افتاده باید، نشان داده شود.

برای مثال هنرجوی اتومکانیک حفظ می‌کند که عملکرد احتراق در موتور خودرو چگونه انجام می‌شود، و یا چهار عمل اصلی برای انتقال قدرت چیست؟ انتقال نیرو چگونه به قسمت‌های دیگر منتقل می‌شود. بنابراین دانش‌آموز این‌ها را حفظ می‌کند و شاید با وسایل شبیه‌سازی و رایانه‌ای هم یاد می‌گیرد، که این باید بیاید روی خودرو این مراحل را ببیند و عمل کند. مثلاً خودروهای قدیمی کاربراتوری بودند، اما حالا خودروها انژکتوری یا الکترونیکی شده‌اند. هنرجو باید بتواند کار کند یا مثلاً سیستم برق ماشین می‌خواند. این‌ها را خوب

هم حفظ است و خوب هم می‌تواند در نقشه نشان بدهد حالا در میدان عمل واقعی.

«شایسته محوری» یعنی رساندن هنرجو به سطحی که بتواند شایستگی خودش را نشان بدهد. هم به لحاظ فنی و هم به لحاظ اخلاق حرفه‌ای. به علاوه، باید نسبت به ایمنی و مسائل زیست محیطی حساس باشد. اینکه یک تکنسین (کارگر ماهر) یا مهندس وقتی وارد کارگاه می‌شود، اولین چیزی که ما انتظار داریم، به عنوان شایستگی از خودش نشان دهد، رعایت ایمنی است. یعنی همین که وارد کارگاه شد، از کلاه، لباس کار و کفش ایمنی استفاده کند، به واریسی محیط کارگاه بپردازد، به نگهداری و سرویس و نحوه استفاده از تجهیزات کارگاه، ابزار آلات و وسایل دقت کند، فرایند کار را درست انجام دهد تا به تولید برسد، و بعد از کنترل کیفیت برچسب لازم را روی محصول نهایی بزند. مهندس ناظر یا مدیر پروژه وقتی به شایستگی می‌رسد که بتواند همه این‌ها را در عمل انجام دهد.

ارزشیابی شایسته‌محور این‌گونه است، نه اینکه هنرجو یک ورقه کتبی بنویسد یا یک توضیح شفاهی بدهد یا مثلاً در کارگاه انجام کاری را نشان دهد. او باید بتواند در میدان عمل کار را انجام دهد و شایستگی‌های خود را در اندازه‌های کوچک و قابل قبول به نمایش بگذارد. اگر هنرجو به شایستگی رسیده باشد، تضمین کننده کیفیت محصول تولیدی است و اگر نتواند تضمین کننده کیفیت در تولید باشد، نمی‌تواند رضایت مشتری را جلب کند. اگر رضایت مشتری جلب نشود، تولید ملی یا نمی‌گیرد. اگر تولید ملی پا نگردد، به جای صادرات، مصرف داخلی و واردات خواهیم داشت و با واردات بی حساب و کتاب کالای خارجی اقتصاد مقاومتی اتفاق نمی‌افتد.

○ موضوع کنکور و ارزشیابی مبتنی بر شایستگی چه برخوردهایی دارند؟

• کنکور باید برچیده شود. من معتقدم ستون خیمه کنکور باید کشیده شود. کنکور استعداد کش است. کنکور زمانی راه حل بود که ما مشکل انتخاب دانشجو داشتیم و تعداد داوطلبان از تعداد صندلی‌های دانشگاه بیشتر بود. یعنی مثل قرعه‌کشی عمل می‌کرد و راه حق نبود. راه حل دیروز، خودش امروز تبدیل به مشکل شده است. این راه حل برای لحظه بحرانی بود. امروز که چنین نیست.

دانشگاه‌های ما امروز صندلی‌های خالی دارند. ما به شغل و کار نیاز داریم. در واقع، ما امکانات داریم، دانشجو استعداد دارد و کشور هم نیازمند است. دانشجو باید با توسعه متوازن هدایت شود. یعنی هدایت دانشجو باید متناسب با برنامه‌های توسعه و مبتنی بر توسعه متوازن باشد. امکانات را دولت باید فراهم کند و فرد هم باید علاقه و استعداد داشته باشد، نه فقط علاقه.

باید آمایش سرزمین داشته باشیم و آینده اشتغال کشور را دستگاه‌های سیاست‌گذاری مثل سازمان برنامه و بودجه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنایع و دستگاه‌های خدماتی دیگر رقم بزنند. باید بگویند که ما در آمایش سرزمین، مثلاً برای چشم انداز سال ۱۴۰۴ یا برای ۲۰ تا ۵۰ سال آینده، به چه شغل‌هایی نیاز داریم و این شغل‌ها کجا باید متمرکز شود. مثلاً ما قصد داریم، رشته‌های کشاورزی را توسعه دهیم. ابتدا باید بدانیم که رشته‌های کشاورزی در کدام استان‌ها و با کدام محصولات مزیت نسبی دارند. ما باید مزیت‌های نسبی و بازار را بشناسیم و بر این اساس آموزش بدهیم.

لذا، کنکور برای این بود که تراکم دانشجو پشت درهای دانشگاه‌ها را هدایت کند. الان که این شرایط وجود ندارد این مشکل را داریم که جوان ساکن آذربایجان شرقی می‌خواهد پزشکی بخواند و چون در شهر خودش نمی‌تواند در این رشته تحصیل کند، مجبور است خوابگاه بگیرد و در یزد درس بخواند. این که نمی‌شود. دانشگاه یزد خودش علاقه‌مند و داوطلب دارد. بلکه زمانی ممکن است صندلی‌های دانشگاه یزد در آن رشته از نیروی بومی پر نشود و آمایش سرزمینی می‌گوید ما ۵۰ تا جراح ناباروری نیاز داریم که محل ناباروری در یزد متمرکز است. از این ۵۰ نفر، ۲۰ نفر از یزد تأمین می‌شوند و ۳۰ دانشجوی دیگر باید از سایر شهرها بیایند و یا مثلاً دانشگاه تبریز، دانشکده صنایع دستی فرش دارد و ممکن است نتواند آن ۳۰۰-۲۰۰ دانشجوی این رشته را از خود تبریز بگیرد.

کنکور فنی‌وحرفه‌ای هم باید متناسب با شرایط فنی‌وحرفه‌ای طراحی شود، نه کتبی و یک ساعته. فنی‌وحرفه‌ای یعنی دانش - مهارت - شایستگی. این‌ها را باید بسنجیم. در هر صورت کنکور معیوبی که الان وجود دارد، استعداد کش است و منابع انسانی و مادی را هدر می‌دهد. امروز اگر برچیده

بشود، از فردا برچیدنش سود بیشتری دارد.

○ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای ترویج و آموزش ارزشیابی مبتنی بر شایستگی چه راهکارهایی دارد؟

• اشاعه برنامه‌ها نیازمند برگزاری کلاس‌های توجیهی و دوره‌های آموزشی است. در برنامه درسی، ارزشیابی یکی از مراحل یادگیری است و ما آن را از این مرحله جدا نمی‌بینیم. لذا وقتی که فرایند یادگیری - یاددهی را طراحی می‌کنیم، ارزشیابی را در آنجا جاسازی کرده‌ایم و نهادینه شده است و معلم یا مربی و استاد کار یا هنرآموز باید آن را در فرایند یادگیری - یاددهی و ایجاد مهارت رعایت کند. لذا اولین قدم در اشاعه ارزشیابی مبتنی بر شایستگی تشبیت آن در خود برنامه است. ثانیاً آموزش‌های ضمن خدمت یا پیش از خدمت برای مربیان و هنرآموزان ارائه دهیم. ثالثاً، در مقام اجرا، معاونت‌های آموزشی این کار را انجام دهند. چهارمین کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که بر سودمند بودن ارزشیابی‌های شایسته محور تاکید کنیم تا این موضوع برای مردم جا بیفتد.

مثلاً اگر فردی کتاب علائم راهنمایی و رانندگی را بخواند و یاد بگیرد، قسمت فنی‌اش را هم حفظ کند و چندی هم با یک خودروی کوچک رانندگی کند، آیا می‌تواند کامیون براند؟ خیر. در ارزشیابی شایستگی محور، او باید بتواند با ماشین بزرگ در خیابان‌های شهر رانندگی کند. به علاوه، امتحان دیگری هم از او می‌گیرند: رانندگی تپه. چون همیشه در خیابان صاف رانندگی نمی‌کند و گاهی باید به گردنه‌ها برود، از روی تپه بگذرد، کنار تپه ممکن است یخ‌بندان باشد و یا تپه سربالایی داشته باشد. یعنی او باید عملاً نشان دهد که بلد است و یا مثلاً در کارگاه ریخته‌گری باید یاد بگیرد چگونه کوره را روشن کند. این کار را ابتدا باید در کنار هنرآموز و استاد کار یاد بگیرد و بعد به طور مستقل عمل کند. او باید قادر باشد مواد مذاب را در قالب بریزد و قالب‌بندی را یاد بگیرد. در کتاب نوشته است که قالب دو یا سه تکه دارد و مغزی فلان جاست، اما عملاً نشان نمی‌دهد. ما باید این ارزشیابی را ترویج کنیم. تولید و ضمانت کیفیت زمانی میسر است که عامل کار صلاحیت و شایستگی داشته باشد و صلاحیت و شایستگی باید احراز شود.